فصلنامه حقوق اداری
سال هشتم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۷

آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا

حسن خسروی[۱]؛ مژگان رامین نیا[۲]؛ محمدجواد حسینی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۴

چکیده

روز ۲۸ سپتامبر، روز جهانی حق دسترسی به اطلاعات نام‌گذاری شده است. اهمیت این حق بنیادین حقوق بشری در حقوق اداری نوین در قالب «حکمرانی مطلوب» مهم‌ترین مؤلفه حقوق شهروندی محسوب می‌شود. در راستای شفافیت ارگان‌های مختلف دولتی، در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، قوانین مختلفی فراخور توسعه یافتگی جوامع و پذیرش نهادهای قانونگذاری از منظر سیاسی و فرهنگی، موجب شده است که بر مبنای استانداردهای اولیه ی حقوق بشری چون اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی، اقداماتی به تدریج در جهت ارتقای حقوق اداری و ارائه خدمات عمومی کارآمد به شهروندان، تأسیس نظام قضایی مستقل، اداره‌ی پاسخگو در موضوع مورد بحث در حقوق ایران و اتحادیه اروپا صورت گیرد.

بر اساس شیوه تحلیلی-توصیفی و تطبیقی پاسخ پرسش ذی مدخل مبنی بر اینکه «دسترسی به اسناد و اطلاعات در دو نظام حقوقی اتحادیه اروپا و ایران بر پایه‌ی نیل به حقوق شهروندی چگونه محقق شده است؟» این است که نظام اتحادیه اروپا به دلیل دیرندگی تنظیم مقررات در این حوزه بر حقوق اداری ایران از سازوکارهای جدی‌تر برخوردار است. تنظیم مقررات مختلف در قالب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، تصویب‌نامه شورای عالی اداری، منشور حقوق شهروندی و تهیه لایحه شفافیت در سال‌های اخیر گام‌های مثبتی است که کشور ایران برداشته است، علیرغم مقررات مختلف، کماکان ابهام در مفاهیم در کنار نبود ضمانت اجرای خاص وجود دارد.

واژگان کلیدی: آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات، حقوق اداری، اتحادیه اروپا، شفافیت، پاسخگویی

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ hkh.be82@yahoo.com
۲. استادیار گروه حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ Raminnia_mozhgan@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران (پردیس فارابی) و حقوق دادرسی اداری دانشگاه پیام نور؛ hosseini.publiclaw69@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

مقدمه

امروزه حقوق بشر، بساط خویش را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در فلسفه سیاسی معاصر در حقوق اداری نیز گشوده است و عدم رعایت حق‌های بشری افراد از جانب اداره، سبب پیدایی قواعد و اصولی در حقوق اداری بسیاری از دولت–کشورها گردیده که به تضمین حقوق بشر و قواعد آن در هنگام تلاقی رابطه افراد و اداره منجر شده و به حمایت‌گری از حق‌های بنیادین ابنای انسانی پرداخته و حقوق اداری و قواعد آن را به زیر چتر حمایتی موازین خویش درآورده است؛ چرا که «رسالت حقوق اداری به سبب تنظیم کنندگی رابطه اداره‌کنندگان و اداره‌شوندگان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است». (کاتوزیان،۱۳۹۰: ۲۷) توجیه چنین رابطه‌ای بر مبنای خاستگاه حق است که حق مزبور را عمومی می‌کند. بدین ترتیب در راستای تنظیم سامان‌های مزبور، صرفاً تنظیم قواعد مفید واقع نمی‌شود، بلکه اخلاقیات نیز محمل موثری و غیرقابل انکاری می‌یابد و جدال بین حقوق و اخلاق بر اساس مکاتب فکری مختلف، همواره مطرح شده است و می‌شود.

یوهان کریستیان وولف بر این گمان است که همانگونه که افراد باید در رابطه‌شان با دولت به دنبال ارتقا خیر مشترک باشند، دولت نیز به نوبه‌ی خود باید به دنبال تکامل خود باشد؛ از این روست که رعایت حقوق بشر ضروری می‌نماید. (داعی، ۱۳۹۳: ۲۱۲–۲۱۱)

نظریه‌پردازان زیادی به توجیه رابطه اخلاق و حقوق پرداخته‌اند؛ از جمله ایمانوئل کانت تنها به اخلاقیات ذهنی توجه دارد و هگل در مخالفت با ذهنی بودن اخلاق، معتقد است که آزادی بشر جز در چارچوب اخلاقیات عینی یعنی محدوده یک اجتماع قومی و سیاسی که هویت فرد را مشخص می‌سازد، قابل تحقق نیست (موحد، ۱۳۸۱: ۲۲۸)

و این بدان معناست که انسان به‌واسطه کرامت ذاتی خود، در هر نظام حقوقی در محوریت قرار داشته و یا باید قرار داشته باشد، گرچه اصل کرامت انسانی نتیجه مستقیم حقوقی دربرندارد، بلکه باید گام‌های دیگری برداشته شود تا این اصل بتواند تجلی حقوقی بیابد. (راسخ، ۱۳۹۳: ۲۶۵) تجلی حقوقی در بستر قانونگذاری مستقل در جهت رفاه حال شهروندان پدید می‌آید تا از این طریق دولت‌ها بتوانند حکمرانی مطلوب خود را با به کرسی نشاندن حق‌های بنیادین بشری، اعمال نمایند؛ از این رو، دولت مطلوب، آن است که قلمرو هرچه وسیع‌تری را برای حقوق فردی در نظر بگیرد و خود را به دخالت در آن قلمرو مجاز نداند. یکی از این حوزه‌ها، دسترسی آزادنه شهروندان به اسناد و اطلاعات است. از این منظر آزادی در حقوق اداری جایگاه مهمی دارد؛ چون «حقوق اداری، طرق حمایت از منافع و حقوق افراد را می‌شناساند و حدود اختیارات مقامات عمومی را تعیین و آنان را به پیروی از معیارهای ویژه‌ای الزام می‌کند تا جلوی غرض‌ورزی، خودسری و سوء استفاده از اختیارات دولتی سد شود و امکانات و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی به نحوی برابر و عادلانه بین شهروندان توزیع گردد. آشکار است که این نگرش بر احترام به کرامت انسانی و اصول

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

عدالت و برابری استوار است و پیوندی ناگسستنی با آموزه‌های حقوق بشری دارد.» (استوارسنگری، شاکری، ۱۳۹۶: ۹۱) در واقع این حقوق اداری است که تنظیم کننده رابطه اداره و مردم و تعیین کننده محدوده آزادی آنان است. امروزه با گسترش علوم و فنون جدید و تکنولوژی‌های مدرن روابط دولت و شهروندان دچار دگردیسی فراوانی شده است. یکی از مباحث مهم در این حوزه مواجهه اداره و حقوق اداری با نسل جدیدی از آزادی‌ها و پارادایم‌های حقوق بشری است. از جمله مهم‌ترین پارادایم‌های حقوق بشری مرتبط با اداره، حکمرانی مطلوب و اداره خوب است که برای پیاده‌سازی هرچه بیشتر حقوق بنیادین شهروندان در مقابل دولت و دستگاه دیوانی است. شفافیت، پاسخ‌گویی، آزادی اطلاعات، دسترسی به شیوه کاری اداره و مباحثی از این دست مهمترین عناصر این پارادایم‌های نوظهوراند. یکی از جلوه‌های حکمرانی مطلوب بحث شفافیت عملکردی و آزادی افراد در دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری در برخوردهای روزمره شهروندان با اداره است. افراد با اداره و نهادهای زیرمجموعه آن یا برای دریافت خدمات عمومی رابطه دارند و یا در بعضی موارد اداره حل و فصل کننده اختلاف و دعاوی میان مردم با یکدیگر و یا سایر ادارات با شهروندان است. در هر صورت در این مواجهه حق بر آگاهی از اسناد و اطلاعات مؤثر در تصمیم اداره برای شهروندان به عنوان یک نوع از آزادی باید مورد شناسایی و احترام قرار گیرد. از این منظر مطالعه آزادی دسترسی به این اطلاعات ضروری به نظر می‌رسد و ما را به تدقیق در متون حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا کشانده است. حقوق اتحادیه اروپا به دلیل سابقه قانونگذاری کشورهای عضو در مصادیق حقوق بشری و نحوه حکمرانی‌ها، در زمینه دسترسی به اسناد به‌عنوان یک تشکل منطقه‌ای نسبت به سایر کشورها و ترتیبات منطقه‌ای پیشرو بوده است. در صورتی که اسناد حقوق بین‌الملل در زمینه موضوع مورد بحث به کلیات حق‌های بشری اشاره کرده، بدون اینکه به تشریح جزئیات و تعیین سازوکارهای عملی ضمانت اجراهای حق‌های پیش گفته بپردازد.

در نظام حقوق بین‌الملل آزادی دسترسی به اطلاعات به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر پذیرفته شده و در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر علاوه بر شناسایی حق آزادی بیان و عقیده، هرکس آزادی در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن با همه وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی را داراست. بر همین اساس واکنش نظام‌های حقوقی مختلف در سراسر گیتی نسبت به این ماده از اعلامیه جنبه مثبتی داشته و امروزه بیش از ۹۰ کشور در سراسر دنیا از حق بر دسترسی به اسناد و اطلاعات و آزادی در دسترسی به آن حمایت نموده و در قوانین و مقررات خود تدابیری برای این دسترسی اتخاذ نموده‌اند. (Banisar, 2011: 6)

ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز این آزادی را به رسمیت شناخته‌اند. در این مقاله آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در حقوق اداری و موازین و اصول حاکم بر آن به ویژه در جایی که با مصادیق حقوق بشری تلاقی پیدا می‌کند چارچوب نظری بحث را تشکیل می‌دهد. ضرورت انجام این تحقیق و مقایسه با نظام حقوقی اتحادیه اروپا، شناسایی جایگاه این

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

آزادی در نظام حقوق اداری داخلی است؛ چرا که در پرتو تحقق یافتن این آزادی و دسترسی شهروندان به اطلاعات و فرآیندهای اداری، شفافیت اداری، پاسخگویی اداره در مقابل شهروندان و امکان پاسخ‌خواهی آنان فراهم آمده و در صورت لزوم با شناسایی خلاءهای موجود می‌توان طرقی برای مبارزه با مفاسد اداری جست. نخست متن قوانین مختلف دو نظام مورد مطالعه قرار گرفته است و پس از این تدقیق به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته و پس از پیدایی نمونه‌هایی از مصادیق آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری در هر دو نظام به تطبیق این موارد با یکدیگر جهت پیدایی جایگاه و اهمیت این قواعد و بررسی نقاط ضعف و قوت آنها پرداخته شده است تا مبانی نظری آزادی دسترسی به اطلاعات و مواضع اسناد حقوق بشری، قوانین ایران و اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مفهوم آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری

آزادی برای انسان شیرین‌ترین و مقدس‌ترین آرزو است و در «نزد انسان والاترین ارزش‌هاست» (کاتوزیان،۱۳۹۰: ۳۹۸) که در اصطلاح «عبارت است از حقی که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند مشروط بر آن که آسیب یا زیانی به دیگران وارد نسازند.» (هاشمی ۲۱۱:۱۳۹۱) یکی از جلوه‌های مهم آزادی در حقوق اداری، آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱/۵۹ مصوب ۱۹۴۶ بیان کرده است: آزادی اطلاعات حق بنیادین بشری است و سنگ بنای تمام آزادی‌هاست که سازمان ملل متحد خود را نسبت بدان متعهد می‌داند.

بر این اساس آن شهروندان چه آنهایی که به صورت مستقیم در ارتباط با اداره‌اند و چه آنهایی که به صورت غیرمستقیم از اعمال و تصمیمات اداره تأثیر می‌پذیرند، باید به چگونگی اخذ این تصمیمات و اسناد و مدارک مرتبط با آن و همچنین اسناد و مدارک خود که نزد اداره است دسترسی آزادانه داشته باشند تا علاوه بر مطلع بودن از نحوه عملکرد اداره، در صورت لزوم از اداره پاسخ خواهی نمایند و بدون مخفی نگه داشتن روند کاری اداره اجازه مشارکت افراد و کسب اطلاع و آگاهی به آنان داده شود؛ چرا که امروزه «حق دسترسی آزادانه به اطلاعات یکی از شاخص‌های نظام‌های مردم‌سالار می‌باشد.»(جلالی و ضیایی ۱۵۸: ۱۳۹۲) از همین منظر در بسیاری از اسناد و قوانین ملی و بین‌المللی آزادی گردش اطلاعات و دسترسی به اسناد، داده‌ها و روند کاری دستگاه‌های اجرایی به ویژه قوه مجریه به رسمیت شناخته شده است چرا که «تا زمانی که اطلاعات جامع و درست از عملکرد دولت و حکومت و نتایج سیاست‌های آن‌ها در دسترس مردم نباشد، مسئولین و مقامات حکومتی خود را در مقابل آنها پاسخگو احساس نمی‌کنند.» (جلالی و ضیایی، ۱۳۹۲: ۱۴۶)

از این رو، در سال‌های اخیر، مؤسسات مالی و اعتباری بین‌المللی، نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، یکی از پیش‌شرط‌های اعطای کمک و وام‌های بین‌المللی را پای‌بندی کشور متقاضی کمک

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

یا وام به شفافیت و آزادی اطلاعات قرار داده‌اند. مبنای این نگرش آن است که در عمل، بارها مشاهده شده است که برخی از کشورها، تسهیلات اخذ شده را در اموری غیر از آنچه باید، صرف کرده‌اند. (محسنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۹)

براین اساس هر فردی حق دارد تا از مقامات عمومی و حکومتگران درخواست دریافت اطلاعات و داده‌ها یا اطلاعاتی را داشته باشد که در ارتباط با رابطه آن فرد با اداره است و آن مقام اداری مکلف به پاسخگویی به فرد است مگر آن که این امر بنا بر قانون از پیش تعریف شده ممنوع یا محدود شده باشد. (Banisar,2011:5)

زمانی که اداره می‌خواهد تصمیمی اتخاذ نماید که با دارایی، مال و اعتبار شهروندان در ارتباط است باید مبانی تصمیم خود را بیان و مدارک، اسناد، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مورد استناد را در اختیار اصحاب دعوی اداری قرار دهد تا در صورت لزوم از آن استفاده نمایند. همچنین اداره باید تصمیماتی که در قالب‌های گوناگون اتخاذ می‌نماید را در اختیار شهروندان قرار دهد تا بر اساس آنان افراد برای خویش تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نمایند. در حقوق اداری ایران تصویب‌نامه شورای عالی اداری از حق آگاهی به موقع از تصمیمات و فرآیندهای اداری و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز سخن به میان آورده است و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از این آزادی صحبت نموده‌اند و در اتحادیه اروپا کد اروپایی رفتار اداری خوب و بسیاری از تصویب‌نامه‌های کمیته وزیران شورای اروپا و همچنین منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا به آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری پرداخته‌اند.

۲. اهمیت آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری

اگر قوانین اداری به پشتیبانی از حقوق بشر نپردازند، حق‌های بشری به راحتی دست‌خوش دست‌درازی مقامات اداری قرار می‌گیرند. اهمیت آزادی در مباحث حقوق اداری، ابزار بودن اداره برای اعمال قدرت دولت است. چون اداره تحت عناوین مختلفی مانند وزارتخانه، سازمان یا نهاد دولتی و... سیاست‌ها و بایدهای قدرت عمومی را اجرا می‌نماید و این کارویژه ارتباط مستقیم با حقوق و آزادی‌های شهروندان دارد و ممکن است در حین اجرای قانون و انجام اعمال اداری آزادی شهروندان را مورد خدشه و تجاوز قرار دهد، از این رو مباحث مربوط به آزادی شهروند در اداره مهم است و این حقوق اداری است که تنظیم کننده رابطه اداره و مردم و محدوده آزادی آنان است. آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری امروزه در دو سطح داخلی و بین‌المللی به صورت بسیار وسیعی پذیرفته شده به‌ویژه در مباحث بین‌المللی حقوق بشر و معاهدات حقوق بشری بین‌المللی. این آزادی و حق دسترسی به اطلاعات با بهره‌مندی از سایر حق‌های بشری ارتباط تنگاتنگی دارد، حق‌هایی مانند احترام به زندگی شخصی و خصوصی افراد، حق بر دادرسی منصفانه، حقوق اجتماعی و اقتصادی و حق مشارکت در اداره امور عمومی. (McDonagh,2013: 25)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

آزادی اطلاعات به‌زعم بسیاری پیش درآمد و ابزاری برای آزادی بیان است و عده دیگری معتقدند که آزادی اطلاعات مانند خون جاری در رگ‌های آزادی بیان است؛ همچنین این آزادی ارتباط وثیقی با حق مشارکت در امور عمومی و اداره کشور دارد و زمینه ساز دموکراسی اداری می‌باشد. (McDonagh,2013: 29) حق جستجو یا دسترسی به اطلاعات را می‌توان یکی از ضروری‌ترین عناصر آزادی بیان دانست و از دیگر سوی مردم‌سالاری نیز بدون تضمین حق آگاهی نمی‌تواند متضمن آینده‌ای روشن باشد. (حبیبی، ۱۳۸۲: ۶۵). مشارکت خلاقانه و آگاهانه مردم نیازمند داشتن اطلاعات مفید از روند برگزاری انتخابات، عملکرد مسئولین، پیشینه و سابقه کاری آنان و موارد دیگری از این دست دارد. در حوزه حقوق اداری نیز مشارکت مردم در امور عمومی جامعه و اداره آن نیازمند داشتن آگاهی‌های لازم از نوع مدیریت، عملکرد، دامنه اختیارات و وظایف دستگاه‌های مختلف اجرایی کشور است. تا زمانی که مردم از وزارتخانه‌ها و مؤسسات عمومی و نهادهای دولتی، اشخاص عمومی و مدیران سیاسی و اداری کشور اطلاعات چندانی نداشته باشند، نمی‌توانند مشارکت در اداره امور و نظارت بر عملکرد آنان را خواستار باشند و امروزه قواعد حاکم بر حقوق اداری نوین در دولت‌های مدرن دیگر محدود به موازین کهن نیست، بلکه حقوق اداری نوین ملزم به رعایت هنجارها و قواعد جدیدی است که ریشه در لازم‌الرعایه بودن حقوق شهروندان دارد و مطالعه حقوق اداری را دارای ابعاد جدیدی گردانیده است، چرا که در دوران معاصر نظاره‌گر ظهور پارادایم‌های تازه رُسته‌ای هستیم که حقوق اداری ملزم به تطبیق داده‌های خویش با این قواعد جدید است. در چارچوب حقوق اداری معاصر «نظام اداری صحیح نظامی مبتنی بر احترام به حقوق و آزادی‌های عمومی بشر، رعایت اصل حاکمیت قانون، مشارکت شهروندان، نظام عدالت یا عادلانه اداری و اداره مطلوب است.» (جمشیدی، پتفت: ۲۹)

۳. آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری در حقوق اداری ایران

در حقوق اداری ایران در قانون سیاست‌های کلی نظام اداری، هیچ اشاره‌ای به آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری و رعایت آنها نشده است که این سکوت جای بسی تعجب دارد. اما در قانون مدیریت خدمات کشوری[۱] و در ماده ۲۶ بیان شده که دستگاه‌های اجرایی مکلف‌اند مردم را با حقوق و تکالیف خویش در مواجهه با اداره آشنا و اطلاعات لازم را به‌نحو مطلوب و مناسب در اختیارشان قرار دهند. در ماده ۲۷ نیز دستگاه‌های اداری مکلف شدند تا مراحل، زمان، کیفیت و استاندارد ارائه خدمات را شفاف نموده و به اطلاع مردم برسانند.

---

۱. قانون مدیریت خدمات کشوری مشتمل بر ۱۲۸ ماده و ۱۰۶ تبصره در جلسه مورخ هشتم مهرماه ۱۳۸۶ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی تصویب گردید و پس از از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال، درتاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۸ به تائید شورای نگهبان رسید و در تارخ ۸۶/۷/۲۷ جهت اجرا طی نامه‌ای از سوی رئیس مجلس به دولت ابلاغ گردید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

در تصویب‌نامه شورای عالی[۱] اداری که مخاطب آن تمامی دستگاه‌های استفاده کننده از بودجه عمومی هستند به این آزادی توجه شده است که بیانگر حقوق شهروندی و احترام به موازین حقوق بشر در نظام حقوق اداری ایران است که علیرغم عدم تعریف و اختصاص ماده یا بندی خاص به آزادی‌های مشروع شهروندان، به مصادیقی از آزادی‌ها اشاره نموده است. در ماده ۷ آزادی حریم خصوصی افراد مورد توجه قرار گرفته و در ماده بعد، آزادی دسترسی به اطلاعات و فرآیندهای اداری مورد قبول واقع شده است و در سایر مواد به ترتیب توالی این آزادی مورد حمایت قرار گرفته که این امور نمایانگر نفوذ حقوق بشر در اداره و قوانین و مقررات اداری است.

در ماده ۸ از فصل سوم حقوق شهروندی در نظام اداری از حق آگاهی به موقع از تصمیمات و فرآیندهای اداری و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز سخن به میان آمده و بیان شده که مردم حق دارند بر مبنای اطلاعات منتشره دستگاه‌های اجرایی اعمال خود را تنظیم نمایند و اگر دستگاهی بر خلاف آنچه که اعلام نموده عمل کند، ملزم به پاسخگویی است که التزام به پاسخگویی در این موارد را می‌توان ناشی از اصل انتظار مشروع دانست و چون اداره بر اساس اعلان قبلی خود سبب تصمیم‌گیری شهروندان شده است، در صورت عدول از اعلان خود باید پاسخگوی این تناقض رفتاری باشد. این بند از ماده ۸ به خوبی آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری در فرآیند تصمیم‌گیری اداره را بیان می‌کند و در همین راستا در بند ۳ و برای در دسترس عموم قرار دادن اطلاعات، اداره ملزم به اعلام عمومی عملکرد خود به صورت سالانه است که این اطلاعات بر اساس بندهای همین ماده باید مفید، صحیح، به روز، به موقع و کامل باشند و برای همین منظور به قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات اشاره می‌نماید. بر اساس ماده ۲ آن قانون هر ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر در مواردی که قانون منع کرده باشد. همچنین ماده ۵ مؤسسات عمومی را مکلف به ارائه این اطلاعات بدون هیچ‌گونه تبعیض نموده است و آن دسته از اطلاعاتی را که برای افراد حق و تکلیف ایجاد می‌نمایند، باید از طریق اعلان عمومی در رسانه‌های همگانی اطلاع‌رسانی شوند. بر اساس ماده ۱۰ نیز همه دستگاه‌های اجرایی مکلف‌اند به جز اسناد دارای طبقه‌بندی، حداقل به‌طور سالانه اطلاعات مربوط به عملکرد خود را ارائه عمومی دهند. بر اساس ماده ۱۱ تصمیم موجد حق و تکلیف برای عموم را نمی‌توان به عنوان اسناد دارای طبقه‌بندی تلقی نمود. البته بر اساس ماده

---

۱. شورای عالی اداری در یکصد و هفتاد و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۹ به پیشنهاد سازمان اداری و استخدامی کشور، به منظور رفع تبعیض و ایجاد نظام اداری پاسخگو و کارامد، با هدف بهبود و ارتقای سطح حقوق شهروندی، بهره‌مندی شهروندان از ظرفیت‌های ایجاد شده، تسهیل در تحقق اهداف سیاست‌های کلی نظام اداری، فصل سوم قانون مدیریت خدمات کشوری، بخش هفتم از «برنامه جامع اصلاح نظام اداری» مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ هیات وزیران و همچنین «منشور حقوق شهروندی»، ابلاغ شده در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۹، «حقوق شهروندی در نظام اداری» را تصویب نمود. این مصوبه در ۱۹ ماده تدوین و از تاریخ ابلاغ، لازم‌الاجراء می‌باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

۱۳، دسترسی به اسناد دولتی امکان‌پذیر نیست و مؤسسات نباید این گونه اسناد را در اختیار افراد قرار دهند که تشخیص این دولتی بودن یا نبودن اسناد با خود اداره است که این امر می‌تواند دامنه اسناد مورد مطالبه مردم را کاهش دهد و دولت با بهانه‌هایی مثل حفظ نظم عمومی می‌تواند از ارائه اسناد خودداری نماید. برای همین بهتر بود که در این قانون نهاد یا موسسه‌ای بی‌طرف، تشخیص دولتی بودن یا نبودن اسناد اداری را بر عهده می‌گرفت تا آزادی دسترسی به اسناد دولتی به خوبی تأمین و اختیار اداره در عدم ارائه اسناد محدود شود. در ماده ۱۷ این قانون نیز موارد عدم ارائه مدارک از جانب اداره را در مواردی که سبب ورود لطمه و خسارت می‌گردد احصا کرده است و در بند ۱ از امنیت و آسایش عمومی سخن به میان آورده که کلماتی کلی و تفسیربردار است و دولت می‌تواند با استناد به آنها از ارائه اطلاعات جلوگیری نماید و مجدداً اختیار دولت در عدم ارائه مدارک و اسناد اداری در این بند گسترده شده است که با تفسیر موسع از این دو واژه به راحتی اداره می‌تواند از ارائه اطلاعات خودداری نماید.

در سایر قوانین و مقررات حقوق اداری می‌توان به تبصره ۵ ماده ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی[۱] نیز اشاره کرد که بیان می‌کند همه مراجعی که مجوز فعالیت‌های اقتصادی را صادر می‌کنند، باید هر شش ماه یک بار اطلاعات مربوط به مجوزهایی که صادر کرده‌اند را در اختیار متقاضیان و عموم مردم قرار دهند. بر اساس ماده ۲۳ نیز سازمان خصوصی‌سازی مکلف شده تا بعد از انجام هر معامله، در مورد واگذاری سهام مدیریتی و کنترلی بنگاه‌ها، بلافاصله با انتشار اطلاعیه‌ای در روزنامه‌های کثیرالانتشار اسم بنگاه و چکیده اطلاعات مالی و مدیریتی، میزان سهام واگذار شده و دیگر اطلاعات معامله را منتشر نماید. همچنین بر اساس ماده ۸۸ قانون مزبور وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف گردیده تا هر شش ماه یک بار گزارش عملکرد اجرا این قانون را به مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی ارائه داده و برای اطلاع عموم مردم نیز منتشر کند. (امین زاده: ۱۳۹۴)

در قانون ارتقا و سلامت نظام اداری و مقابله با فساد[۲]، در فصل دوم و در بیان تکالیف دستگاه‌های اداری در پیشگیری از فساد اداری، دستگاه‌های مشمول این قانون و مدیران آنها را مکلف نموده که کلیه قوانین و مقررات مرتبط با حقوق شهروندی نظیر فرایندهای کاری و زمان‌بندی انجام کارها، استانداردها و...، شرح وظایف دستگاه‌ها و همچنین مراحل مختلف اخذ مجوزها...، مفاصا حساب‌ها، تسهیلات اعطایی، جدول میزان تراکم و محاسبات مربوط به مالیات‌ها، عوارض و حقوق دولت و... را از طریق دیدارگاهای

---

۱ این قانون مشتمل بر ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ هشت بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

۲ قانون ارتقا و سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب جلسه ۱۳۸۷/۲/۱۸ کمیسیون اجتماعی که با عنوان لایحه تقدیم مجلس شورای اسلامی شده بود توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۷ مورد اصلاح و تأیید قرار گرفت.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

الکترونیک به اطلاعات عموم برسانند. پرواضح است که قانونگذار در دسترس عموم قرار دادن این اطلاعات اداره را راهکاری برای مبارزه با مفاسد اداری دانسته است؛ چرا که در معرض دید عموم بودن این موارد سبب ایجاد آگاهی مردم از فرآیندهای کاری اداره و ایجاد نظارت و حساسیت افکار عمومی نسبت به عملکرد آن می‌شود. در بند دیگر این ماده مقرر شده که معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری آیین‌نامه مربوط به نحوه و میزان دسترسی عموم مردم به اطلاعات قراردادهای اداری را تهیه نماید تا مردم به اطلاعات قراردادهای اداره دسترسی داشته باشند. به موجب ماده ۸ نیز دو معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور موظف گردیده تا برای شفاف‌سازی اطلاعات و تقویت نظام‌های اطلاعاتی و استانداردسازی امور و مستند کردن فعالیت دستگاهای اجرایی و اطلاع‌رسانی به مردم سیاست‌هایی را تدوین نمایند. در نتیجه افراد می‌توانند از طرق مشارکت اداره با سایر سازمان‌ها و اشخاص و شرکت‌ها آگاهی یابند و چه بسا خود نیز در آینده همکار اداره و طرف قرارداد با آن شوند و همچنین این امر نظارت مالی بر اداره را تسهیل می‌نماید. قانون برگزاری مناقصات[1] نیز در ماده ۲۳ مقرر نموده که تمامی اطلاعات مربوط به معاملات جز آن دسته از معاملاتی که به تشخیص هیأت وزیران باید مستور بماند، باید از طریق شبکه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات در اختیار عموم قرار گیرد. البته در این جا نیز تشخیص مستثنی کردن این دسته از مناقصات به هئیت وزیران سپرده شده که این امر می‌تواند دست آنان را در محدود نمودن واگذاری اطلاعات مربوط به مناقصات برگزار شده باز گذاشته و آزادی دسترسی به اطلاعات مربوط به مناقصات دولتی را محدود نماید.

٤. آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری در حقوق اداری اتحادیه اروپا

هر نظام حقوقی دارای بن‌مایه‌های خاص خویش است که اساس آن نظام حقوقی بر آنها استوار و تمامی قوانین و مقررات و آیین نامه‌ها و... با توجه به آنها ایجاد می‌شوند. در هر نظام حقوقی قواعدی وجود دارد که اساس کار و راهنمای تدوین قوانین و مقررات دیگر بوده و به عنوان ضمیر انعکاسی دیگر قوانین نمود پیدا می‌کنند و شاکله نظام‌های حقوقی را تشکیل می‌دهند. بعضی از اندیشمندان حقوق اداری بنیادها و اصول حقوق اداری اتحادیه اروپا را در سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌نمایند که شامل قانونگذاری اولیه (معاهدات اتحادیه اروپا)، قانونگذاری ثانویه (مقررات، بخشنامه‌ها، تصمیمات، توصیه‌نامه‌ها و نظرات مقامات اداری) و اصول کلی حقوق است. (Stott, Felix, 1997: 270)

---

[1]. قانون برگزاری مناقصات، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام به تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۳

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

اصول کلی حقوق نیز به عنوان یکی از منابع مهم حقوق اداری اتحادیه اروپا، مورد شناسایی و تدقیق بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است که بسیاری از این اصول توسط دادگاه‌های اروپایی گسترش و تعمیق یافته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها برابری، حقوق بنیادین و اصل تناسب است. (Stott, Felix, 1997: 272-277)

نظام حقوق اداری اتحادیه اروپا علاوه بر موارد فوق دارای بنیادهای دیگری نیز می‌باشد مانند قانونی بودن تصمیمات، شفافیت و اصل انتظار مشروع که ریشه‌های عمیقی در این نظام حقوقی دوانده‌اند و با توجه به این مسائل «در حال حاضر حقوق اداری اتحادیه اروپا رسالت خود را نیل به اداره کارآمد، در عین تأمین حداکثری حقوق افراد با تدوین قوانینی جامع در این خصوص می‌داند.» (عطریان، ۱۳۹۶: ۱۹) از دیگر اصول مهم حقوق اداری اتحادیه اروپا کارکرد مناسب اداره، اصل توجیه تصمیمات اداری، اصل دسترسی به اسناد اداری، استقرار نهادهای اداری مستقل و اصل استقرار حمایت قضایی است که اساس تصمیم گیری و کنش‌ها و واکنش‌های نهادهای اتحادیه اروپا و شهروندان آن است. (محمودی، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۴) علاوه بر آن مفاهیم اصیلی مانند حقوق بشر، حقوق بنیادین ابنای انسانی، حقوق شهروندی، دموکراتیک بودن فرایند اخذ تصمیمات اداری، سوءاستفاده نکردن از قدرت، پاسخگویی، عدم تبعیض، برابری، بی‌طرفی، عقلانیت، دموکراسی و عدالت اداری از جمله پارادایم‌های مهم و نوین حقوق اداری اتحادیه اروپا است. (Craig, 2010: 5) اما اگر بخواهیم دسته‌بندی از این مفاهیم ارائه دهیم بی‌شک آبشخور همه این مفاهیم از سه منبع بزرگ سرچشمه می‌گیرد: حاکمیت قانون، دموکراسی اداری و حقوق بشر. (Harlow, 2006: 190)

این بنیادها سبب پیدایی دکترین خاصی تحت عنوان حکمرانی مطلوب گردید و در ماده ۴۱ منشور بنیادین اتحادیه اروپا به عنوان یک حق شخصی مورد شناسایی قرار گرفت (عطریان، ۳۲: ۱۳۹۶) و توسط دیگر قوانین و مقررات در سطح اتحادیه مورد تکرار واقع گردید. اتحادیه اروپا که همواره خود را علاقه‌مند به ترویج حقوق بشر، آموزش و فرهنگ می‌داند در سند راهبردی خود یعنی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آزادی بیان و اطلاعات را به عنوان یک حق اساسی مطرح نموده است که بیانگر توجه این اتحادیه به حقوق بشر و نشان‌دهنده نفوذ موازین آن در حقوق اداری است. (Mendel.2008:11).

این ماده حق بر اداره خوب را به عنوان یک حق بنیادین در رابطه بین شهروندان و ادارات گوناگون اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته است و علاوه بر شناسایی این دکترین آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات را نیز مدنظر قرار داده است. (Vala Kristjnsdottir,2013: 238)

در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین[1] از حق آزادی بیان و اطلاعات سخن به میان آمده و این حق شامل آزادی در حفظ آرا و عقاید و تبادل اطلاعات بدون مداخله مراجع دولتی

1. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms as amended by Protocols No. 11 and No. 14 (Rome, 4.XI.1950)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

است. در ماده ۱۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا[1] همه از حق آزادی بیان برخوردارند که شامل آزادی عقیده و کسب و انتشار اطلاعات و افکار بدون مداخله مقامات دولتی و اداری می‌باشد. در ماده ۴۲ این منشور نیز هریک از شهروندان اتحایه (حقیقی یا حقوقی) حق دسترسی به اسناد نهادها و ارکان اتحادیه اروپا را دارند.

در پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه اروپا[2] و در ماده ۴۹ به شفافیت عملکرد نهادهای اتحادیه اشاره شده و برای تحقق حکمرانی مطلوب و تضمین مشارکت مردم، نهادها، اشخاص و ارگان‌های موجود در سطح اتحادیه عملکرد و رویه کارشناسان و پارلمان اروپا و قانونگذاری شورای وزیران باید در دسترس عموم باشد. در بند ۳ این ماده نیز مقرر شده که همه افراد حق دستیابی به اسناد اتحادیه و نهادهای آن را دارند و محدودیت‌های وارده بر این دسترسی بر اساس بند ۴ همین ماده باید توسط حقوق اتحادیه اروپا مشخص گردد.

در بسیاری از توصیه‌نامه‌های کمیته وزیران شورای اروپا نیز حمایت از آزادی، حقوق بنیادین و منافع افراد بیان شده است. در توصیه‌نامه جلسه ۲۷۵ کمیته وزیران شورای اروپا[3] که برای حمایت از اشخاص در مقابل اعمال اداری مقامات اداره مقرر گردیده، آزادی دسترسی به اسناد اداری بیان شده است. در ماده ۲ حق دسترسی به اطلاعات برای افراد شناسایی گردیده و شهروندان مستحق مطلع شدن از تصمیمات اداری از قبل هستند. در ماده ۴ اداره ملزم به ارائه دلایل خود برای اخذ تصمیمات اداری است به هنگامی که آن تصمیم بر حقوق، آزادی‌ها و یا منافع افراد اثر گذار است.

در توصیه نامه ۴۶۱ کمیته وزیران شورای اروپا[4] نیز مهمترین موارد مربوط به حفاظت و نگهداری از اطلاعات شخصی افراد که در اختیار اداره است مورد بحث قرار گرفته و در ماده ۲ آن برای احترام به حریم خصوصی و اطلاعات افراد مقررات خاصی بیان شده است. در بند ۱ ماده ۲ ارتباطات افراد به ویژه ارتباط الکترونیکی و اطلاعات و فایل‌های شخصی آنها که در اختیار مقامات عمومی است و بر حسب نیاز در

1. Charter of fundamental rights of the european union
2. Constitution for europe, Adopted by consensus by the European Convention on 13 June and 10 July 2003
3. Recommendation of the Committee of Ministers to member states on the protection of the individual in relation to the acts of administrative authorities (Adopted by the Committee of Ministers on 28 September 1977, at the 275th meeting of the Ministers' Deputies)
4. Recommendation of the Committee of Ministers to member states on the communication to third parties of personal data held by public bodies (Adopted by the Committee of Ministers on 9 September 1991 at the 461st meeting of the Ministers' Deputies)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

اختیار اشخاص ثالث قرار می‌گیرد، باید مورد حفاظت باشد و به طریقی این مهم به عمل آید که تضمین‌های لازم برای حفظ و نگهداری اطلاعات افراد را به همراه داشته باشد.

توصیه نامه ۴۱۰ کمیته وزیران شورای اروپا [1]در بند ۱ مقرر نموده که اعمال اداری باید به اطلاع همه شهروندان برسد و از حق بر مطلع شدن از تصمیم اداره سخن به میان آورده تا شهروندان اطلاع یابند که آیا این عمل و تصمیم اداره بر حقوق آنان تاثیرگذار است یا خیر.

در قوانین پایین دستی اتحادیه اروپا نیز توجه زیادی به آزادی دسترسی افراد به اطلاعات شده است. در کد اروپایی رفتار اداری خوب[2] و در ماده ۲۲ از آزادی دسترسی به اسناد اداری و حق بر این دسترسی سخن به میان آمده است. در این ماده بیان شده که زمانی که عموم مردم درخواست اطلاعات از مقامات اداری را دارند، آن‌ها باید به این درخواست‌ها پاسخ بدهند و اداره باید تضمین نماید که این پاسخ‌ها آشکار و قابل فهم است. در بند ۲ همین ماده نیز مقرر شده که اگر درخواست‌های اطلاعاتی به صورت شفاهی است و ارائه اطلاعات مورد نیاز اشخاص از پیچیدگی و یا کثرت برخوردار است، مقام اداری ملزم به راهنمایی افراد برای مکتوب نمودن درخواست است و در بند ۳ مقرر شده در صورت عدم امکان ارائه اطلاعات، مقام اداری باید دلایل عدم ارائه اطلاعات را به افراد بیان نماید. در بند ۴ مقرر گردیده در مواردی که اطلاعات خواسته شده فرد ارتباطی با آن اداره ندارد و اداره مسئولیتی در ارائه آنها ندارد، اداره باید شماره تماس و مشخصات فرد را از وی گرفته و به مقام اداری صلاحیتدار برای راهنمایی و دادن اطلاعات لازم بدهد. با نگاهی به این قوانین و مقررات اتحادیه می‌توان دریافت که قانونگذاران این اتحادیه اصل را بر آزادی دسترسی شهروندان به اسناد و اطلاعات اداری گذاشته‌اند و این حق اساسی را به رسمیت شناخته‌اند چرا که تضمین آزادی افراد در دسترسی به این گونه اسناد جز با حمایت قانونگذار قابل دستیابی نیست و این مهم مورد توجه و حمایت در سطح اتحادیه اروپا می‌باشد.

۵. فواید آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری

آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری فواید مهمی خواهد داشت. شفافیت اداری، پاسخ‌گویی اداره، پاسخ‌خواهی شهروندان و تسهیل مبارزه با فساد اداری مهمترین فواید این آزادی‌اند. شفافیت اداری از جمله اموری است که ارتباط مستقیم با آزادی اطلاعات و دسترسی آزادانه به اسناد و حق بر دسترسی اطلاعات اداری دارد. شفافیت اداری به‌دنبال تغییر فرهنگ اسرارگرایی در دستگاه‌های اداری- اجرایی است؛ چرا که

1. Recommendation of the Committee of Ministers to member states on of the committee of ministers to member states on administrative procedures affecting a large number of persons (Adopted by the Committee of Ministers on 17 September 1987 at the 410th meeting of the Ministers' Deputies)
2. The European Code of Good Administrative Behaviour, 2005

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

غالباً دولت‌ها، به ویژه دولت‌های کمتر توسعه یافته سیاسی، تمام اطلاعات و داده‌های مرتبط با اداره، قراردادهای اداری، بودجه، هزینه‌ها، سیاست‌های خرد وکلان و راهبردهای اداره را بخشی از اسرار اداری لحاظ کرده و از اطلاع‌رسانی در مورد آنها خودداری می‌کنند. این امر سبب عدم دسترسی به جزئیات و باز بودن دست دولت و اداره برای رفتارهای دل‌بخواهانه و گریز از قانون می‌شود. چون از چند و چون این امور اطلاعاتی در دسترس نیست، این امر نظارت بر اداره و دستگاه‌های اداری را با سختی همراه نموده و از میزان پاسخگویی اداره در قبال شهروندان و دستگاه‌های نظارتی می‌کاهد، فساد اداری را گسترش می‌دهد، سوءاستفاده از امکانات و تجهیزات اداره را افزایش و در مقابل اعتماد عمومی به اداره را کاهش می‌بخشد. برای همین منظور در بسیاری از قوانین اداری صحبت از شفافیت اداری و امکان دسترسی آزادانه شهروندان به روند کاری اداره و اسناد غیرطبقه‌بندی شده آن پیش‌بینی شده است. در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در سال ۲۰۰۳ در ماده ۵ و در بیان اقدامات پیشگیرانه از فساد، شفافیت یکی از اصول مهم پیشگری از فساد بیان شده و در ماده ۹ در باب مدیریت منابع مالی، توزیع عمومی اطلاعات مربوط به تشریفات کارپردازی و قراردادها را از جمله امور مهم مرتبط با کارپردازی دولتی و مدیریت منابع مالی می‌داند. در ماده ۱۰ نیز کشورهای عضو را برای مبارزه با فساد اداری به اتخاذ مقرراتی ملزم نموده تا امکان دسترسی مردم به اطلاعات اداری و فرآیند تصمیم‌گیری‌های اداری فراهم آید و در بند آخر دولت‌های عضو را ملزم به نشر اطلاعاتی در مورد گزارش‌های دوره‌ای در خصوص خطرات فساد در مدیریت دولتی نموده است.

با ارائه اطلاعات دستگاه‌های عمومی به افراد، نهادها و سایر سازمان‌های مرتبط با آن تصمیم و عمل اداره، اجازه پالایش عمل اداره را به همگان داده می‌شود و آن را در معرض قضاوت و دید عموم می‌گذارد. شفافیت اداری سبب کاهش نابرابری‌های اطلاعاتی، تساوی در دسترسی به اطلاعات و اسناد اداری، کشف فساد اداری و مبارزه با آن، اعتماد عمومی به اداره، مقابله با محرمانگی، ایجاد بسترهای اسرارزدایی، امکان تصمیم‌گیری برای افراد و پاسخگو نمودن اداره و نظارت بر عملکرد آن می‌شود و «امکان پاسخگویی و نظارت‌های مردمی و مقامات قضایی و اداری مافوق را فراهم می‌کند.» (رضایی زاده، عطریان، ۹۶:۱۳۹۳)

اهمیت شفافیت اداری به دلیل غیرعلنی بودن اعمال اداره است. عملکرد قوای دیگر غالباً در دسترس عموم قرار می‌گیرد و معمولاً مذاکرات پارلمان به صور گوناگون از رسانه‌های دیداری و شنیداری و مکتوب پخش می‌شود و در بیشتر موارد رسیدگی‌های قضایی در محاکم به صورت علنی است، مگر در مواردی خاص، اما عملکرد اداره غیرعلنی و ناآشکار است از این منظر شفافیت عملکردی در اداره و قوه مجریه از اهمیت بالایی برخوردار است و اگر شهروندان «در جریان تصمیم‌گیری‌ها قرار بگیرند متوجه درستی و نادرستی آنها خواهند شد و نتیجه این امر امنیت خاطری است که ملت نسبت به حکومت پیدا می‌کند.» (طاهری، ارسطا، ۴:۱۳۹۵) در حقوق اداری داخلی مصوبه شورای عالی اداری در ماده ۱ شفافیت را جز

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

اصول و مبانی حقوق شهروندی می‌داند و اخیراً لایحه شفافیت از طرف دولت برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده که در صورت تصویب می‌تواند گامی مثبت در جهت ایجاد رویه‌ای روشن در تمامی سازمان‌های عمومی کشور باشد. در این لایحه سعی شده تا تمامی ارکان یک اداره از ساختارهای حاکم تا برآیند حاصل از عملکرد آن مدنظر قرار گیرد تا شفافیت در همه ارکان اداره جاری شود.

فایده دیگر آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری را می‌توان در الزام‌آوری اداره برای پاسخ‌گویی اعمال خود دانست. پاسخ‌گویی مقامات عمومی در رابطه با اعمال خود حدفاصل حکومت دموکراتیک و مردمی از حکومت استبدادی و خودکامه است. دولت برآمده از مردم خود را ملزم به پاسخ‌گویی و دوری از اسرارگرایی می‌داند اما دولت استبدادی راه خودکامگی پیش گرفته و بدون نیاز به پاسخ‌گویی به شهروندان آن‌گونه که خود می‌خواهد عمل می‌نماید و این خودآیینی در تمام امور و به همه دستگاه‌های اجرایی آن کشور تسری می‌یابد و بی‌شک اداره نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود. اداره در چنین جوامعی خود را نیازمند به پاسخ‌گویی به شهروندان و توضیح در مورد عملکرد خویش نمی‌داند و الزام اداره به ارائه دلایل و مستندات خود از جانب مردم امکان‌پذیر نیست. پاسخ‌گویی ارتباط مستقیم با شفافیت و کارآمدی اداری دارد و از آن دسته اموری است که با آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری حاصل می‌شود.

آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری و شفافیت سبب تسهیل مبارزه با مفاسد اداری شده و «یکی از مهمترین جنبه‌های شفافیت مبارزه با فساد است و آزادی اطلاعات نیز یکی از ابزارهای کلیدی در این امرمحسوب می‌شود» (رضایی زاده، احمدی، ۲۲۹:۱۳۸۸) از آن جایی که اشخاص اداری خصوصاً در سطوح بالای مدیریتی دارای قدرت، نفوذ و اعتبار در نزد کارکنان اداره و دارای روابط بسیاری با سایر نهادها و ارگان‌های عمومی هستند، همواره امکان سوء استفاده از امکانات دولتی، بودجه، استفاده از رانت‌های ویژه و... برای آنان وجود دارد. آزادی در دسترسی به اسناد و اطلاعات می‌تواند طریقی برای جلوگیری و کاهش این‌گونه سوء رفتارهای اداری باشد چون «مهم‌ترین کارکرد دسترسی مردم به اطلاعات عمومی مقابله با فساد است» (عصاریان نژاد، شریفی زارچی، ۱۴۵:۱۳۹۶) زمانی که بودجه یک سازمان، قوانین و مقررات حاکم بر میزان مصرف آن، گردش مالی اداره و نحوه عملکرد مدیران و کارکنان شفاف باشد، گزارش میزان بازدهی اداره در فواصل زمانی معین و محدود و به صورت دنباله‌دار انتشار یابد، این امور سبب دقت و مواظبت اعضای آن سازمان در امور روزمره خویش شده و این نوع نظارت بیرونی سبب افزایش نظارت درونی و خود نگه‌دارندگی اعضای یک سازمان می‌گردد؛ چرا که می‌دانند عملکرد آنان زیر ذره بین مردم و مراجع نظارتی است از این منظر «آزادی اطلاعات و حق دسترسی مردم به اطلاعات دستگاه‌های حکومتی مهمترین مقدمه نظارت مردم بر حکومت است.» (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

٦. تضمینات آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در دو نظام حقوقی

آنچه که به قوانین اعتبار و قدرت می‌بخشد، ضمانت اجرای پیش‌بینی شده آن است و اگر قوانین از این پشتوانه و ضمانت اجرا برخوردار نباشند نوشته‌هایی سیاه بر کاغذی سفیداند و نه به منصه اجرا در می‌آیند و نه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی شهروندان می‌گردند. در مورد آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در حقوق اداری نیز باید در جستجوی پشتوانه اجرایی و نظام ضمانت اجرای این حق بود. در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا ضمانت اجراهای گوناگونی در این باب در قوانین تعبیه شده است. در اتحادیه اروپا آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در تمامی دستگاه‌های اداری لازم‌الرعایه است و در صورت استنکاف از ارائه اطلاعات یا اسناد، اشخاص می‌توانند از محاکم مستقر در سطح اتحادیه دادخواهی نمایند و به دادگاه‌های موجود در سطح اتحادیه و یا آمبودزمان اروپایی مراجعه نمایند. این امر در بند ۱۳ ماده ۱ و بند ۱ ماده ۳ و ماده ۸ «نظامنامه ۱۰۴۹ پارلمان اروپا در مورد حق دسترسی عموم به اسناد پارلمان، شورا و کمیسیون‌های اتحادیه اروپا»[1] بیان و تضمین شده است که این شناسایی حق دادخواهی از عدم ارائه اسناد، بالاترین ضمانت اجرای آزادی دسترسی به اسناد اداری در اتحادیه است. از این منظر رویه قضایی دادگاه‌های اتحادیه اروپا همواره بر ممنوع بودن مضیق نمودن دریافت اطلاعات از جانب دولت‌ها استوار است. برای نمونه می‌توان به دعاوی لیدن علیه سوئیس در ۱۹۸۷[2] و یا دعوای گسکین علیه بریتانیا در ۱۹۸۹[3] و یا دعوای گورا علیه ایتالیا در ۴۱۹۹۸ اشاره نمود که آزادی دسترسی به اسناد اداری مورد توجه محاکم بوده است. (Tsukhishvili, 2013: 2)

علاوه بر اشخاص حقیقی، این دادگاه‌ها در رویه خود آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات را برای اشخاص حقوقی نیز به رسمیت شناخته‌اند، برای نمونه در پرونده تارسسگ (کندی) علیه هانگری در ۵۲۰۰۹ دادگاه بیان داشته که دولت‌ها باید برای سازمان‌های مردم نهاد دسترسی به اسناد و اطلاعات را فراهم نمایند. (Tsukhishvili, 2013:3)

با ملاحظه این رویه‌های قضایی می‌توان دریافت که آزادی دسترسی به اسناد دولتی در پرتو ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تضمین و استناد در پرونده‌های گوناگون قرار گرفته است.

---

1. Regulation (EC) No 1049/2001 of the european parliament and of the council of 30 May 2001, regarding public access to European Parliament, Council and Commission documents
2. Leaden v Sweden, ۲۶th of March, ۱۹۸۷
3. Gaskin v the United Kingdom, 7th of July, 1989
4. Guera v Italy, 9th of February, 1998
5. Kenedi v Hungary, 26th of May, 2009

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

در پرونده دیگری فردی درخواست اطلاعات از دفاتر خدمات دولتی نمود و آن مرجع اطلاعات ناقصی در اختیارش قرار داد. فرد اقدام به طرح شکایت در دادگاه لیتوانی نمود. دادگاه اظهار داشته که اصل دسترسی آزادانه به اسناد یکی از اصول اداره خوب در اتحادیه اروپاست و با استناد به ماده ۲۲ قانون مالیات‌ها و همچنین ماده ۴۲ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا استدلال نمود که مضیق نمودن ارائه اسناد اداری موکول به آسیب رساندن به منافع عمومی یا خصوصی است و یا باید از موارد ذکر شده در نظامنامه ۱۰۴۹ باشد و در نهایت آن نهاد اداری را ملزم به ارائه اسناد به متقاضی نمود[1]. (Latvia, Administrative District Court, 2016)

در پرونده‌ای دیگر دادگاه حقوق بشر اروپا که بر اساس آن سازمانی غیردولتی (شخص حقوقی) تقاضای دریافت اسامی وکلای ثبت شده در دفاتر پلیس برای انجام طرح‌های تحقیقاتی پیرامون تهیه الگوی برای غلبه بر کاستی‌های موجود در سیستم انتصابات رسمی و مشاوران دفاعی کرده بود و نهادهای انتظامی از ارائه اسامی وکلا و اطلاعات آنان خودداری کرده بودند، اظهار داشت که نقض ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر رخ داده و در رأی دادگاه مجدداً به تصویبنامه ۱۰۴۹ و ماده ۴۲ منشور حقوق بنیادین اشاره شده و علاوه بر الزام به ارائه اسناد مورد مطالبه، نهادهای مستنکف را مکلف به پرداخت جزای نقدی نمود.[2] (European Court of Human Rights, 2016)

در ایران قانون ارتقا سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در تبصره ۲ ماده ۳ برای متخلف متعلل در ورود اطلاعات راجع به قراردادها در سامانه شش ماه الی سه سال انفصال از خدمت در نظر گرفته است. در دعاوی اداری مردم علیه دولت در دیوان عدالت اداری نیز به نوعی آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری مورد حمایت قرار گرفته است. در ماده ۴۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بیان شده که بنابر دستور رئیس دیوان و یا هرکدام از شعب دیوان به هنگام رسیدگی به دعاوی علیه سازمانی دولتی، آن مرجع مکلف است ظرف مدت یک ماه نسبت به ارسال اسناد مورد مطالبه اقدام نماید و در صورت عدم امکان ارسال باید دلایل آن را بیان نمایند. اگر دیوان دلایل عدم ارسال را وارد ندانست و دوباره اسناد را مطالبه نمود و مرجع از ارسال آن استنکاف کرد، مستنکف به حکم شعبه به انفصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک سال یا کسر یک سوم حقوق به مدت سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. این ماده به درستی تشخیص ضرورت یا عدم ضرورت مخفی نگه داشتن اسناد دولتی را به دیوان سپرده و همچنین برای عدم ارسال اسناد و اطلاعات مورد استناد مردم ضمانت‌های مناسبی مقرر نموده است. در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و در ماده ۲۱ آن نیز مقرر شده که افراد آسیب دیده از

1.https://fra.europa.eu/en/caselaw-reference/latvia-administrative-district-court-a420292915
2.https://fra.europa.eu/en/caselaw-reference/ecthr-application-no-1803011-judgment

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

انتشار غیرواقعی اسناد و اطلاعات اداری می‌توانند اطلاعات را تکذیب و جبران خسارات وارده را مطالبه نمایند. در ماده ۲۲ نیز برای ممانعت از دسترسی به اطلاعات برخلاف مقررات این قانون و امحا جزئی یا کلی اطلاعات بدون داشتن اختیار قانونی و عدم رعایت مقررات این قانون در خصوص مهلت‌های مقر، جزای نقدی معین شده است.

۷. تطبیق آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری در دو نظام حقوقی

با مداقه در اسناد، اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌های گوناگون اتحادیه اروپا در خصوص آزادی دسترسی به اطلاعات و اسناد اداری، به‌خوبی نمایان است که این آزادی به عنوان یکی از آزادی‌های بنیادین افراد در مواجهه با اداره پذیرفته شده است و همه شهروندان حق آزادانه در دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری را دارند. در نظام حقوقی ایران نیز این مهم به تازگی ریشه دوانیده است اما تفاوت‌های اساسی با نظام حقوقی اتحادیه اروپا دارد:

اول؛ در پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه اروپا همه دستگاه‌ها و نهادهای اتحادیه ملزم شده‌اند تا شفافیت عملکردی داشته باشند اما در نظام حقوقی ایران در اسناد بالادستی حوزه حقوق اداری (مانند سیاست‌های کلی نظام اداری) این امر پذیرفته نشده و در قانون مدیریت خدمات کشوری نیز این حق به درستی تبیین و تضمین نشده است؛ همچنین در قوانین اداری اتحادیه به ویژه کد اروپایی رفتار اداری خوب حق دسترسی و خواستن اسناد و مدارک و اطلاعات برای همه به رسمیت شناخته است.

دوم؛ این گونه‌گونی قوانینی که آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات را برای شهروندان به رسمیت شناخته است در حقوق اداری ایران جلوه کم‌رنگی دارد، اما در اتحادیه اروپا بیش از ۱۰ قانون، آیین‌نامه، توصیه‌نامه و کد رفتاری وجود دارد که همگی به آزادی دسترسی به اسناد اداری اشاره نموده‌اند. در ایران قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات سابقه زیادی نداشته و کمتر از یک دهه از عمر آن می‌گذرد. این قانون حق دسترسی آزادانه به اطلاعات اداری را برای مردم به رسمیت شناخته است و در همین راستا سامانه اینترنتی نیز ایجاد شده، اما متاسفانه هنوز بسیاری از دستگاه‌های اداری کشور در این سامانه عضویت ندارد و امکان دسترسی به اطلاعات آنان، امکان‌پذیر نیست و دستگاه‌های عضو نیز ارائه اطلاعات را با تأخیر و کندی و گاهی به صورت جانبدارانه ارائه می‌دهند. در منشور حقوق شهروندی و مصوبه شورای عالی اداری نیز حق دسترسی آزادانه به اسناد اداری به رسمیت شناخته شده است که به نوبه خود می‌تواند حرکتی رو به جلو برای دسترسی به اطلاعات و اسناد اداری باشد تا شفافیت اداری و پاسخ‌گویی را به ارمغان بیاورد، همچنین تلاش دولت برای ارائه لایحه شفافیت به مجلس شورای اسلامی را نیز نباید فراموش کرد که در صورت تصویب، می‌تواند گامی مهم برای آزادی دسترسی به اسناد اداری باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

سوم؛ در مقایسه اسناد هر دو نظام، دیرندگی و سابقه طولانی‌تر و به موازات آن پیشرو بودن اتحادیه اروپا در آزادی دسترسی به اسناد اداری به خوبی نمایان است و اخیرالتصویب بودن قوانین اداری در این حوزه و عمری کمتر از یک دهه داشتن آنان خبر از نوظهور بودن این آزادی در نظام حقوق اداری ایران و در آغاز کار بودن آن دارد.

چهارم؛ وجود حجم وسیعی از قواعد حاکم بر دسترسی اسناد و اطلاعات اداری در حقوق اداری اتحادیه اروپا نشات گرفته از رکن اجرایی این اتحادیه و مصوبات و توصیه‌نامه‌های مکرر کمیته وزیران شورای اروپاست؛ چرا که بیشترین برخورد روزانه مردم با قوه مجریه و کارکنان و نهادهای زیرمجموعه آن است. از این منظر سیاستگذاران اتحادیه اروپا با تدقیق در این امر بخش عظیمی از این قواعد را در ارتباط با قوه مجریه تدوین نموده‌اند و خود این رکن نیز اقدامات فراوانی برای تصویب این‌گونه قواعد دارد. اما در این حوزه در نظام حقوق داخلی کار چندانی صورت نپذیرفته است و جز مصوبه شورای عالی اداری مقرره مهم دیگری در این باب وجود ندارد. از این رو هم مجلس شورای اسلامی و هم خود هیات دولت باید برای رعایت حقوق شهروندان و آزادی آنان در دسترسی به اسناد اداری و دوری از مخفی کاری ادارات دولتی تدابیر جدی و جدیدی در نظر گرفته و طرحی نو دراندازند.

پنجم؛ در عرصه عمل، عدم اجرای صحیح مقررات موجود به ویژه در سازمان‌ها و ادارات کوچک‌تر و پایین دستی اداری در ایران مشهود است. غالب وزارتخانه‌ها و سازمان‌های بزرگ اداری در راستای شفاف سازی و اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات گام‌هایی برداشته‌اند و با راه‌اندازی سامانه‌های اینترنتی و ایجاد میزهای خدمت در وبگاه‌های خود تا حدودی شیوه کاری، بخشنامه‌ها و آیین‌های اداری و بعضی از مقرره‌های موجود در رابطه با شهروندان را در اختیار عموم قرار می‌دهند، اما در بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای کوچکتر اداری چنین امکانی فراهم نیست و اقدام موثری تاکنون از سوی آنان صورت نپذیرفته است. همچنین بعضی از نهادها و ارکان وابسته به حکومت به ویژه سازمان‌های زیرمجموعه بعضی از ارگان‌های نظامی عملکرد شفافی ندارند و غالباً شیوه عملکرد و چگونگی هزینه کرد آنان جز موارد طبقه‌بندی و محرمانه تلقی می‌شود که این امر نظارت بر آنان را دشوار و اطلاعات آنان را دور از دسترس می‌نماید.

ششم؛ هر دو نظام حقوقی عناوینی برای عدم ارائه اطلاعات در قوانین پیش‌بینی کرده‌اند. در نظام حقوق اداری ایران ملاک‌هایی همچون مفید بودن یا نبودن اطلاعات درخواستی، مصلحت عمومی، نظم عمومی، امنیت و آسایش عمومی، حمایت از حریم خصوصی و حقوق اشخاص ثالث از عوامل محدود کننده دسترسی به اطلاعات است که عناوینی کلی و تفسیربردار است اما در اتحادیه اروپا این عناوین جزئی‌تر و موردی است و غالباً زمانی دچار محدودیت می‌شود که در تقابل با حریم خصوصی اشخاص، منافع تجاری اشخاص حقوقی، مالکیت فکری و معنوی، منافع اقتصادی و مالی آنها باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

نتیجه

حق دسترسی به اطلاعات، مستلزم تغییر رویکرد، نسبت به نقش دولت در جامعه است. تحولات حقوق اداری در سطح جهانی به‌عنوان یکی از شعبات حقوق عمومی متأثر از توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در قرن بیستم، بویژه پس از جنگ جهانی است که موجب ارتقای روزافزون ارزش‌های بشری در شکل‌گیری قواعد حقوقی بین‌المللی شده است. آنچه که امروزه تحت عنوان انسانی شدن حقوق بین‌الملل از آن یاد می‌شود.

عرصه چنین تحولاتی به حقوق داخلی دولت‌ها سرایت کرده است. مفهوم حکمرانی مطلوب که در حقوق اداری پرکاربرد است یک کارکرد ارزشمند به منظور مشروعیت حقوق داخلی و ابزارهای آن می‌باشد. از جمله مهمترین الزامات مفهوم حکمرانی مدرن، ارائه خدمات عمومی کارآمد به شهروندان، وجود نظام قضایی مستقل، دولت پاسخگو، منافع عمومی کافی، حسابرسی مسئول و پاسخگو، وجود یک نظام قانونگذاری، احترام به قانون و حقوق بشر در همه سطح حکومت است.

با تدقیق در مطالب پیش گفته مبرهن است به لحاظ مبانی نظری هر دو سیستم در آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری همسو هستند ولی سویه عملی همانندی در قبال این آزادی وجود ندارد.

اتحادیه اروپا توجه بیشتری معطوف این جلوه از آزادی نموده است اما حقوق اداری ایران در این زمینه توسعه چندانی نیافته و قوانین اداری زیادی در این رابطه وجود ندارد و قوانین موجود نیز با احتیاط به این جنبه از آزادی پرداخته‌اند. در رویه قضایی اتحادیه اروپا و به ویژه دادگاه اروپایی حقوق بشر این آزادی مورد حمایت و تضمین قرار گرفته و آرای متعددی در این زمینه صادر شده است اما رویه قضایی ایران در این زمینه تهی است و در آراء دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی اشاره‌ای به این آزادی نشده و مورد تضمین مراجع قضایی قرار نگرفته است. با این همه به‌نظر می‌رسد با آغاز مراقبه به موضوعات حقوق بشری و گسترده‌تر شدن توجه به رعایت حقوق شهروندی در گفتمان حقوقی معاصر کشور، امکان گسترش قوانین اداری دارای وجهه حقوق بشری در نظام حقوقی فعلی ایران وجود دارد و می‌توان با الگوبرداری و بومی‌سازی و سرمشق قرار دادن قوانین اداری اتحادیه اروپا، این‌گونه قوانین را در حقوق اداری داخلی نیز به وجود آورد و برای تضمین حقوق شهروندان آنها را در اداره به کار بست.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. موحد، محمدعلی (۱۳۸۱) در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر) تهران: کارنامه
۲. عطریان، فرامرز (۱۳۹۶) حقوق اداری تطبیقی، اداره خوب، مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، تهران: میزان
۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰) مبانی حقوق عمومی، تهران: میزان
۴. محمودی، جواد (۱۳۹۳) تحولات حقوق اداری اتحادیه اروپا، تهران: خرسندی
۵. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۱) حقوق بشر و آزادیهای عمومی، تهران: میزان

مقاله‌ها

۱. استوارسنگری، کوروش، شاکری، حمید (۱۳۹۶)، "صیانت از آزادی‌ها در آرا دیوان عدالت اداری"، جستارهای حقوق عمومی، سال ۱، شماره ۱
۲. امین زاده، الهام (۱۳۹۴)، "اهمیت آزادی اطلاعات و حق مردم در دسترسی به اطلاعات"، روزنامه همشهری، ۹۴/۱۲/۲۴
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۶)، "مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات"، نامه حقوقی ۶۱، جلد ۳، شماره ۱
۴. جمشیدی، علیرضا، پتفت، آرین (۱۳۹۵)، "حقوق شهروندی در پرتو آیینهای نوین اداری"، اخلاق زیستی، سال ۶، شماره ۲۱
۵. جلالی، محمد، ضیائی، رضوان (۱۳۹۲)، "نقش آمبودزمان ها در توسعه و ارتقا مردم سالاری"، پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۵، شماره ۳۹
۶. حبیبی، محمدحسن (۱۳۸۲)، "بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی"، حقوق اساسی، سال ۱، شماره ۱
۷. رضایی زاده، محمدجواد، عطریان، فرامرز (۱۳۹۳)، "اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا"، دانش حقوق عمومی، سال ۳، شماره ۱۰
۸. رضایی زاده، محمدجواد، احمدی، یحیی (۱۳۸۸)، "مبانی حق دسترسی شهروندان به اسناد و اطلاعات دولتی"، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۴
۹. طاهری، محسن، ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۵)، "بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب"، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ۳، شماره ۳

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]

۱۰. عصاریان نژاد، حسین، شریفی زارچی، احمدعلی (۱۳۹۶)، "ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن در ارتقاء امنیت ملی"، امنیت ملی، سال ۷، شماره ۲۴

۱۱. داعی، علی (۱۳۹۳)، "جایگاه فرد در حقوق بین الملل، کتاب مجموعه مقالات جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، تهران: شهردانش

۱۲. راسخ، محمد (۱۳۹۳) مفهوم کرامت ذاتی انسان، کتاب مجموعه مقالات جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، تهران: شهردانش

۱۳. محسنی، وجیهه، جاوید، محمدجواد، هاشمی، سیدمحمد، عباسی، بیژن (۱۳۹۸) تحلیل حقوقی نسبت سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی، پژوهش حقوق عمومی، سال ۲۱، شماره ۶۲

Books:

1. Stott, D. Felix, A. (1997) Principles of administrative law, UK. Cavendish Publishing Limited
2. Craig, P. (2015) UK, EU and global administrative law, UK, Cambridge University Press

Articles:

1. Banisar, David (2011), "The Right to Information and Privacy: Balancing Rights and Managing Conflicts", Washington, International Bank for Reconstruction and Development
2. Harlow, C. (2006), "Global Administrative Law: The Quest for Principles and Values". EJIL, Vol. 17 No.1
3. Mendel, Toby (2008), "Freedom of information: comparative legal survey", united Nations educational scientific and cultural organization
4. Mcdonagh, Maeve (2013), "The right to information in international human rights Law", Human Rights Law Review, No. 13:1
5. Vala Kristjansdottir, Margret (2013), "Icelandic Review of Politics and administration Vol. 9, Issue 1
6. Tsukhishvili, nino (2013), The Case Law of the European Court of Human Rights: the Right of Access to public Information", IDFI Legal Expert/ Recipient of the Open Society human rights Internship

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.77]